



به بهانه انتشار عکس جشن‌های عجیب؛ از «هلو بیبی» تا «گودیای پمپرز»

جشن‌های پیش از تو، سوء تفاهم بود!

آذر صدارت- چندی پیش، انتشار عکس‌هایی از جشن «گودیای پمپرز» یک خانواده نوکسسه تهرانی که در و دیوار را با غروسک‌ها و برچسب‌های تپوع‌آور تزئین کرده بودند و کپشن زده بودند: «خواستیم خوشحالی مون رو به‌خاطر از پوشک گرفتن ... جان با شما شریک بشیم!» موجی از حیرت و تأسف در فضای مجازی ایجاد کرد و ما اهالی شبکه‌های اجتماعی مجازی که پیش از این، در سال‌ها و روزهای قبل با مفاهیم عجیب و جدیدی که معمولا هم یک برچسب «لاکچری» می‌زنند تنگش، مثل: جشن طلاق، جشن تعیین جنسیت جنین، جشن اولین قدم بچه و... آشنا شده بودیم، این بار چشممان به «جشن از پوشک گرفتن کودک!» روشن شد. جشن طلاق که معرف حضورتان هست؛ زوجی که قصد دارند از هم جدا شوند، جشن می‌گیرند تا شادی و انرژی ناشی از به بن‌بست رسیدن زندگی مشترک شان را با مهمانان بخت برگشته تقسیم کنند! جشن تعیین جنسیت جنین هم همان طور که از اسم اش پیداست، جشنی است که بعد از اولین سونوگرافی دوران بارداری وزمانی که مامان و بابای ما جر می‌فهمند قرار است یک دختر کیس گلاتون داشته باشند یا یک پسر کاکل زری، شکل می‌گیرد. جشن اولین قدم، شبیه جشن دندان، بهانه‌ای است برای ثبت شادی تجربه اولین‌ها توسط کودک و اما جشن گودیای پمپرز، که جشنی است برای از پوشک گرفتن بچه‌و حاصل خلاقیت هم‌وطنانمان است، نشان داد جشن‌های پیش از این، سوءتفاهم بوده! البته که ما ایرانی‌ها با جشن و شادی و دور همی به بهانه‌های گوناگون، بیگانه نیستیم و وجود جشن‌های ساده و قشنگی مثل: چهارشنبه سوری، نوروز و گلاب‌گیران گواه این است که همه آدم‌ها از جمله مردم کشور ما، همواره به دنبال بهانه‌های ساده برای دور هم جمع شدن و شادی و خاطر‌سازی‌اند. منتها شاید مهم‌ترین تفاوت جشن‌های اصیل ایرانی با جشن‌های عجیب امروزی، تکلف بر گزاری‌شان باشد. به این معنی که قبلا، جشن‌ها بهانه بودند و تقسیم شادی‌ها، اصل بود. اما این سال‌ها، انگار نشاط و شادی میزبان و مهمان بهانه است و اصل، فرو کردن زرق و برق و امکانات آن چنانی زندگی در چشم مخاطب مجازی است! در این که هر خانواده و فامیلی، حق دارد به هر بهانه‌ای که دوست دارد، جشن و مهمانی راه بیندازد، حرفی نیست و یک انتخاب شخصی است اما منتشر کردن عکس‌های مهمانی‌های عجیب به مناسبت‌های غریب که در بلندمدت، به فریبه‌تر شدن آسیب‌هایی مثل تجمل‌گرایی، چشم و هم چشمی، اسراف و تبذیر، خودنمایی و ظاهر سازی دامن می‌زند، نکته قابل تاملی است. رفتارهایی که کم‌کم به شکل خرده‌فرهنگ در می‌آید و مردم، به عنوان سبک درست زندگی، باورش می‌کنند و وقتی از عهده‌داشتن و به‌جا آوردنش بر نمی‌آیند، حس تلخ نا کامی و سر خوردگی دارند!



الیه توانا- صبح که از خانه بیرون می‌زی، می‌دانی شلوغی و ترافیک و سروصدایی تمام‌نشدنی در انتظار است؛ می‌دانی ممکن است برای هر کار کوچکی مجبور باشی ساعت‌ها معطل شوی یا در صف بمانی؛ می‌دانی ممکن است در تصادف یا دعوایی در گیر شوی یا از دور با هول و استرس تماشاگر باشی؛ می‌دانی کلی اتفاق کوچک و بزرگ ازآردهنده دیگر ممکن است رخ بدهد و خستگی حاصل از کار و درس و رفت‌وآمدت چندین برابر بشود اما اگر زن باشی، به همه این‌ها «نبود امنیت روانی» هم اضافه می‌شود؛ و این یعنی تو در طول روز ممکن است بارها در برابر نگاه‌ها، رفتارها و حرف‌های بی‌ادانه، ناراحت‌کننده و تحقیرآمیز قرار بگیری و شب، خسته‌تر و رنجور تر از دیگران به خانه برگردی؛ رفتارهایی که در شلوغی کوچه و خیابان‌ها و هياهو تا کسی‌ها و اتوبوس‌ها اصلا به چشم نمی‌آید و وقتی هم با کسی در باره‌شان درددل می‌کنی، جواب می‌گیری: «توجه نکن». اما فقط تو، به‌عنوان یک زن، می‌دانی که ندیدن و نشنیدن این رفتارها ممکن نیست و تو می‌دانی تکرار شدن این مزاحمت‌ها چه بلایی بر سر احساس امنیتت آورده‌است. در این پرونده به موضوع امنیت زنان در وسایل حمل‌ونقل عمومی پرداخته‌ایم، تعدادی از زنان و دختران از تجربه مورد مزاحمت قرار گرفتن شان، گفته‌اند و یک یادداشت ویژه هم خطاب به مردان نوشته‌ایم تا ناخواسته به هول و هراس زنان دامن نزنند.



تصویرسازی: سعید مرادی

زنان و امنیت روانیِ شکننده

از جامعه نمی‌توانند با آرامش و در امنیت کامل از این خدمات استفاده کنند. یکی از راهکارهایی که در سال‌های اخیر، با هدف کاهش مزاحمت برای زنان، اجرایی شده‌است زنانه-مردانه کردن فضاها و وسایل نقلیه عمومی است؛ تاکسی مخصوص بانوان و قسمت مخصوص بانوان در اتوبوس و مترو؛ این راهکار گرچه کمی از حجم آزار و اذیت‌ها را دست کم در وسایل نقلیه عمومی کم کرده اما براساس تجربه و به گفته زنان، مشکل هم‌چنان پابرجاست؛ شاید به این دلیل که خط کشی و مرزبندی، راه حل این مشکل نیست و به اقدامات جدی‌تری در حوزه تربیت و آموزش نیاز داریم. **منابع: بررسی دلایل اجتماعی ناامنی زنان در کلان شهرها: شهر از زنان روی گردانده، روزنامه وقایع اتفاقیه**

بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، فریبا قرایی، انقیسه‌راد جهانباتی و نازلا رشیدپور

مزاحمت‌های خیابانی هم که مشخص است؛ دست‌درازی و نگاه‌های هرزه و حرف‌های رکیک، گرچه زنان را از لحاظ روانی بسیار تحت فشار قرار می‌دهد، در بسیاری مواقع هیچ تنبیه و مجازاتی در پی ندارد؛ داشته‌باشد هم ثابت کردنش غیرممکن است. بررسی‌های صورت گرفته از سوی «سازمان ملی جوانان» درباره امنیت روانی -اجتماعی زنان جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران، نشان می‌دهد که تنها عده کمی از آن‌ها دارای احساس امنیت هستند. شرایطی مانند ترس از بیرون ماندن در ساعات پایانی شب، ترس از تنها بودن در مکان‌های عمومی مثل پارک، ترس از رانندگان ماشین‌های شخصی یا حرف‌زدن با مردان ناشنا می‌باشد، برای این دسته از زنان، تجربی ناخوشایند به همراه داشته‌است که از شنیدن یا یادآوری آن لحظات هم احساس بدی پیدا می‌کنند. مزاحمت‌هایی که این زنان جوان ۱۸ تا ۲۹ سال عنوان کرده‌اند

و ترس با زنان زاده نشده‌است بلکه آن‌ها با این تفکر، اجتماعی شده‌اند که ضعیف و آسیب‌پذیر هستند و مدام باید مترصد خطر و بحران باشند؛ والدین شان، هم‌نوعان و رسانه‌ها این ترس را تأکید و تقویت کرده‌اند و بد اخلاقی‌ها و بد رفتاری‌های جامعه هم انگار به‌نوعی در تأیید این باور است؛ چراکه مزاحمت‌های خیابانی نه مخفیانه و پنهانی که در ملا عام و آشکارا انجام می‌شود؛ اعتراض کردن به چنین رفتارهایی هم در بهترین حالت، فرد مقابل را جسورتر می‌کند و در بدترین حالت، متأسفانه زنان آزار دیده را مقصر و مستحق بد رفتاری می‌داند. تکلیف پیگیری حقوقی

امنیت به دو دسته فیزیکی و روانی تقسیم می‌شود. در امنیت فیزیکی، موضوع طراحی شهری یعنی ایمنی معابر شهری مورد توجه قرار می‌گیرد اما امنیت روانی، که به‌تازگی در سنجش کیفیت زندگی به آن توجه می‌شود، به معنی تلقی و باور ذهنی فرد است؛ یعنی این که فرد در ذهن خودش چقدر از شهر هراس دارد و چقدر خودش را در برابر خطرات احتمالی در امان می‌داند؟ عوامل زیادی در این مسئله تأثیر گذارند مثل سن، تجربه‌های گذشته، محیط، جغرافیا، قومیت و فرهنگ اما به‌طور کلی زنان احساس ناامنی بیشتری در شهرها می‌کنند. واضح است که این ناامنی

گفت‌وگو با خانم‌ها درباره میزان احساس امنیت شان در معابر عمومی و وسایل نقلیه

پای درددل زنان شهر

تازه هوا تاریک شده‌بود. دخترم توی خانه تنها بود و می‌خواستم سریع به خانه برسم برای همین با دخترخاله‌ام سوار تاکسی خلتی شدم. توی مسیر که دوفتری با هم بودیم مشکلی نبود اما همین که دخترخاله‌ام از ماشین پیاده شد، راننده از توی آینه شروع کرد به نگاه کردن و لبخند زدن و حرف زدن، حتی با پررویی از من پرسید خوش گذشت؟ آن‌قدر ترسیده‌بودم که خیلی زودتر از این که برسم خانه، پیاده شدم و بقیه راه را دودیم. این اتفاق همین چند روز پیش رخ داد اما هنوز هم از یادآوری اش می‌ترسم.

نگاه‌های خیره، مصداق آزار جنسی

■ **زهره، ۳۸ ساله، کارشناس کامپیوتر**
تعرض فقط دست‌درازی نیست، نگاه‌های خیره هم نوعی تجاوز به حریم شخصی است. برای خود من بارها پیش آمده که توی اتوبوس متوجه شدم کسی از قسمت مردانه اتوبوس بهم زل زده و درحال ورناندی من است. این رفتار خیلی اذیت‌کننده‌است اما مشکل این‌جاست که فقط از جانب مردان نیست، خود خانم‌ها هم با نگاه قضاوت‌گرشان آدم را آزار می‌دهند. مثلاً، من در دوران دانشجویی وقتی با دوستانم سوار اتوبوس می‌شدم، خانم‌ها با بد اخلاقی و ترشویی با ما برخورد می‌کردند فقط به این خاطر که جوان بودیم و باهم حرف می‌زدیم و می‌خندیدیم؛ درحالی که همین رفتار نه تنها از جانب پسرها پذیرفته شده‌است بلکه آن‌ها اگر حرف بدی هم بزنند یا در فضاهای عمومی شوخی رکیکی هم بکنند، کسی بهشان اعتراضی نمی‌کند.

باید نترسید و برخورد کرد

■ **زهره، ۲۸ ساله، دستیار دندان پزشک**
به نظر من خود خانم‌ها هم در زیاد شدن این مزاحمت‌ها بی‌تقصیر نیستند. من اگر کسی مزاحمم شود با رفتارم به او حالی می‌کنم که حق ندارد نه فقط با من بلکه با بقیه خانم‌ها هم رفتار نامناسبی داشته‌باشد. توی ایستگاه مترو یک بار، پسری مزاحمم

هفته گذشته که مشغول نوشتن این پرونده بودم، در رفت‌وآمدهای روزمره چندیاری مجبور شدم مسیرم را دور کنم. تصمیم گرفته‌بودم با زنان و دختران شهر درباره میزان احساس امنیت شان در وسایل نقلیه عمومی صحبت کنم، حجم نگرانی‌ها و درد دل‌هایشان خیلی بیشتر از چیزی بود که فکرش را می‌کردم. آن‌چه می‌خوانید فقط بخش کوتاهی از گفت‌وگوهایم با زنان در تاکسی، اتوبوس و مترو است.

ظاهر موجه، رفتار غیر قابل پیش‌بینی

■ رضوانه، ۲۱ ساله، دانشجو

پارسال موقع امتحانات، توی ایستگاه اتوبوس ایستاده‌بودم. یک مرد جوان حدودا سی ساله توی ایستگاه اتوبوس در قسمت زنانه به خانم‌ها نزدیک می‌شد و با آن‌ها تماس فیزیکی برقرار می‌کرد. آن‌قدر ظاهرش موجه بود که اصلا بهش شک نمی‌کردی و من وقتی متوجه این موضوع شدم که یکی از خانم‌ها جیغ زد، روز بعد دوباره همان آقا را در همان ساعت و همان‌جا دیدم. خیلی ترسیده‌بودم و نمی‌دانستم چه کار باید بکنم، فکر کردم به مسئولان مربوطه بگویم اما حدس می‌زدم که کسی توجهی نمی‌کند چون چندوقت پیش خودم توی اتوبوس دچار مشکل شده‌بودم و کسی به حرفم گوش نکرد. شاید باورتان نشود اما روز سوم هم همان مرد را دیدم و از آن موقع به بعد دیگر تا مدت‌ها جرأت نکردم سوار اتوبوس بشوم. پیش خودم گفتم من اگر یک مرد بودم و چنین ماجرای را می‌دیدم، حتما دخالت می‌کردم اما متأسفانه الان مردانه‌نسبت به گذشته انگار حساسیت شان را از دست داده‌اند و در برابر اتفاقات این‌چنینی هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند.

راننده چشم‌چران

■ **نرگس، ۲۶ ساله، خانه‌دار**
یک‌روز با دخترخاله‌ام از استخر بر می‌گشتم و

چطور با رعایت یک سری نکات ساده، حس ناامنی زنان شهر را کم رنگ کنیم؟

آقایان بخوانند!

امور اتش را با متلک گفتن به این و آن و ترساندن ملت می‌گذرانند، لطفا این رفتارش را به حساب جوانی و شیطنت نگذارید و شیرفهمش کنید این مدل تفریح کردن او، مایه ناپا احتی بلندمدت دیگران است.

■ **کلیشه‌های ذهنی‌تان را دور بریزید؛** اگر شما تا دیروقت بیرون هستید، قطعاً یا سر کار بوده‌اید یا از مهمانی و خرید برمی‌گردید یا به‌خاطر مشغله‌های فراوان، قرارهای ملاقات دوستانه‌تان را برای این ساعت از شبانه‌روز تنظیم می‌کنید، این شرایط دقیقاً برای خیلی از خانم‌ها هم صادق است. شما حق ندارید اگر دیروقت خانمی را در کوچه و خیابان دیدید، با نگاه‌های سرزنش‌بارتان اذیتش کنید.

■ **خودرو، حریم شخصی آدم‌هاست** اما اگر باماشین تان مسافر کشی می‌کنید، آن را به فضایی عمومی تبدیل کرده‌اید؛ بنابراین حواس تان باشد بعضی کارها باعث می‌شود مسافران خانم احساس خطر کنند حتی اگر واقعا خطری وجود نداشته‌باشد اما همان دلهره می‌تواند روزشان را خراب کند؛ شیشه را دودی کردن و دستگیره داخلی ماشین را برداشتن و... بعضی از این کارهاست.



مجموعه‌ای از رفتارهای نامناسب در طول زمان باعث شده‌است زنان نسبت به هر رفتار و حرکتی در کوچه و خیابان و از جانب مردان، حتی بی قصد و غرض، حساس شوند؛ بارها از زبان دوست و آشنا شنیده‌ام که کسی در خیابان می‌خواسته ازشان آدرسی ببرد و آن‌ها به گمان مزاحمت، با بی‌اعتنایی راهشان را کشیده و رفته و بعدش کلی خجالت کشیده‌اند یا آشنایی با ماشین کنار پای شان بوق زده و آن‌ها بی آن‌که روی کنار را برگردانند و راننده را ببینند، داد و هوار راه انداخته‌اند. مجموعه این رفتارهای گزنده که بعضی از زنان را به ریسمان سیاه و سفید هم بدبین کرده‌است، نیاز به آسیب‌شناسی و واکاوی دارد؛ کاهش این مزاحمت‌ها هم از عهده این پرونده خارج است اما هر کدام از ما می‌توانیم در امن‌تر کردن فضای جامعه‌مان سهم داشته‌باشیم؛ روی صحبت با مردان و پسرانی است که ناخواسته باعث ایجاد ترس و استرس در زنان می‌شوند. این پرونده گرچه مشخصاً به بحث امنیت در وسایل حمل‌ونقل عمومی پرداخته اما پیشنهادهایی که در ادامه می‌خوانید برای کاهش رفتارهایی است که ممکن است با انجام دادن آن‌ها، ندانسته زنان را مضطرب کند.

■ **همان‌طور که در این پرونده خواندید و احتمالا قبلاً هم فراوان درباره‌اش شنیده‌اید،** زیاده‌ی راحت نشستن مردان در تاکسی، خانم‌ها را معذب می‌کند؛ غیر از رعایت این نکته، سعی کنید صندلی جلوی تاکسی را برای خانم‌ها خالی بگذارید.

■ **در کوچه‌های خلوت وقتی پشت سر یک خانم راه می‌روید،** لطفاً به‌جای آواز خواندن و بلند بلند خندیدن به جوک‌های توی گوشی و سلانه سلانه قدم زدن، سریع حرکت کنید.

■ **هر خانمی ممکن است فقط یک بار در زندگی‌اش** مورد مزاحمت قرار بگیرد اما حس بدو استرس ناشی از آن همیشه همراه اش باشد؛ اگر دوست، همسایه‌ای یا فامیلی را می‌شناسید که



تصویرسازی: سعید مرادی